

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَنْ حَضَرَ الْكَعْبَةَ لَزِمَهُ اسْتِقْبَالُ عَيْنِهَا، فَلَوْ اسْتَقْبَلَ الْحِجْرَ أَوْ خَرَجَ بَعْضُ بَدَنِهِ عَنْهَا^۱ لَمْ يَصِحَّ، إِلَّا أَنْ يَمْتَدَّ صَفٌّ بَعِيدٌ فِي آخِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَلَوْ قَرُبُوا لَخَرَجَ بَعْضُهُمْ فَإِنَّهُ يَصِحُّ لِلْكَلِّ.

و کسی که به نزد کعبه حضور یافت؛ استقبال ذات کعبه واجب اوست. پس اگر به حجر اسماعیل روی کرد یا قسمتی از بدنش از کعبه خارج شد؛ صحیح نشده است مگر که صف دوری در آخر مسجدالحرام به درازا بکشد که اگر نزدیک شوند بعضی از آنان از (مقابل کعبه نه از جهت قبله) خارج می‌شوند؛ پس در این صورت برای همگی صحیح می‌شود.

^۱ . تحفه: قَالَ تَعَالَى: ﴿قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ سوره بقره، آیه: ۱۴۴

(اکنون) چهره‌ات را بسوی مسجد الحرام متوجه ساز.

در این آیه، مسجدالحرام به عین کعبه تفسیر می‌شود. بدلیل:

سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ، قَالَ: لَمَّا دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْبَيْتَ، دَعَا فِي نَوَاحِيهِ كُلِّهَا، وَلَمْ يُصَلِّ حَتَّى خَرَجَ مِنْهُ، فَلَمَّا خَرَجَ رَكَعَ رُكْعَتَيْنِ فِي قُبُلِ الْكَعْبَةِ، وَقَالَ: «هَذِهِ الْقِبْلَةُ». بخاری ۳۹۸

زمانی که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به خانه‌ی خدا داخل شد در تمام نواحی آن دعا فرمود و نماز نگذارد تا این که از آن خارج شد. وقتی که خارج شد روبروی کعبه دو رکعت نماز گزارد و فرمود: این قبله است.

^۲ . مجموع: به اتفاق، صحیح نیست زیرا بودن آن از کعبه مظنون است و قطعی نیست.

تحفه: حجر اسماعیل و شاذروان از قبله محسوب نمی‌شوند زیرا ثبوت این دو از کعبه، ظنی است.

^۳ . مجموع: زیرا با تمام بدنش استقبال کعبه نکرده است.

وَمَنْ صَلَّى دَاخِلَ الْكَعْبَةِ [۱] وَاسْتَقْبَلَ جِدَارَهَا، [۲] أَوْ بَابَهَا الْمَرْدُودَ، [۳] أَوْ الْمَفْتُوحَ وَعَتَبْتُهُ ثَلَاثًا ذِرَاعٍ تَقْرِيْبًا، صَحَّ، وَإِلَّا فَلَا.

و کسی که داخل کعبه نماز گزارد و [۱] استقبال دیوار آن کرد، [۲] یا (استقبال) در بسته‌ی آن (کرد)، [۳] یا (استقبال در) باز آن (کرد) در حالی که پاشنه‌ی آن تقریباً دو سوم ذرع بود؛ (در هر سه مسأله، نمازش) صحیح است و اگر نه پس نه (نمازش صحیح نیست).

۴. عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْبَيْتَ هُوَ وَأَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، وَبِلَالٌ، وَعُثْمَانُ بْنُ طَلْحَةَ فَأَغْلَقُوا عَلَيْهِمْ، فَلَمَّا فَتَحُوا كُنْتُ أَوَّلَ مَنْ وَلَجَ فَلَقِيْتُ بِلَالًا فَسَأَلْتُهُ: هَلْ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: «نَعَمْ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ الْيَمَانِيِّينَ». بخاری ۱۵۹۸

رسول الله صلی الله علیه وسلم، اسامه بن زید، بلال و عثمان بن طلحه وارد کعبه شدند. در را به روی آنان بستند. وقتی در را گشودند من اولین نفری بودم که وارد شدم. بلافاصله بلال را دیدم و از وی پرسیدم. آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل کعبه نماز خواند؟ گفت: بله، بین دو ستون یمانی.

نجم: اگر گفته شود در بخاری ۳۹۸ و مسلم ۱۳۳۰ آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل کعبه نماز نگزارده است. جواب داده می‌شود که ورود ایشان به داخل کعبه، دو بار اتفاق افتاده است. یک بار درون کعبه نماز گزارده و یک بار نماز نگزارده است. پس بدین حدیث، نماز سنت داخل کعبه مشروع می‌گردد و نماز فرض بر آن قیاس گرفته می‌شود. امام مالک و احمد نماز فرض را جایز ندانسته‌اند و ابن جریر طبری نماز فرض و سنت را جایز ندانسته است.

۵. دو سوم ذرع بر حدیث آتی قیاس گرفته شده است. زیرا ستره‌ای که بین نماز گزار و بین قبله تأثیرگذار است رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را به اندازه‌ی تکیه‌گاه مرکوب معرفی نموده که آن تقریباً دو سوم ذرع تخمین زده می‌شود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ فَلْيُصَلِّ، وَلَا يُبَالِ مَنْ مَرَّ وَرَاءَ ذَلِكَ». مسلم ۴۹۹

هرگاه یکی از شما به اندازه‌ی تکیه‌گاه مرکوب (چیزی را) مقابلش قرار داد پس نماز بگزارد و توجه نکند به کسی که از پشت این ستره می‌گذرد.

۶. عجاله و تحفه: زیرا در همه‌ی این موارد، به جزئی از کعبه رو کرده است.

وَإِنْ كَانَ بِمَكَّةَ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَةِ حَائِلٌ خَلَقِيٌّ أَوْ طَارِيٌّ فَلَهُ الْاجْتِهَادُ،^٧

و اگر در مکه باشد در حالی که بین او و بین کعبه، مانع طبیعی یا (مانع) غیر طبیعی قرار دارد؛ اجتهاد برایش رواست.

وَإِنْ وَضَعَ مِحْرَابَهُ عَلَى الْعِيَانِ صَلَّى إِلَيْهِ أَبَدًا، وَمَنْ غَابَ عَنْهَا فَأَخْبَرَهُ بِهَا مَقْبُولُ الرَّوَايَةِ عَنْ مُشَاهَدَةٍ وَجَبَ قَبُولُهُ،^٨ وَكَذَا يَجِبُ اعْتِمَادُ مِحْرَابٍ بِبَلَدٍ أَوْ قَرْيَةٍ يَكْثُرُ طَارِقُهَا.^٩

و اگر محرابش را بر مشاهده گذاشته است همیشه بسوی آن نماز می‌خواند. و کسی که از کعبه دور شد پس شخص مقبول الروایه از مشاهده به او خبر داد؛ پذیرفتن آن، واجب می‌شود. و همچنین واجب می‌شود اعتماد کردن به محراب شهری یا روستائی که رهگذران آن بسیارند.

وَكُلُّ مَكَانٍ صَلَّى إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضُبِطَ مَوْقِفُهُ مُتَعَيَّنٌ، وَلَا يَجْتَهَدُ فِيهِ لَا بَيْتَامِنٍ وَلَا بَيْتِاسِرٍ،^{١٠} وَيَجْتَهَدُ بِهِمَا فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَحَارِبِ.^{١١}

^٧ . فتح الوهاب المالک و فیض الاله المالک: زیرا تکلیف کردنش به رؤیت کعبه، برایش مشقت‌آور خواهد بود.

و این در صورتی است که شخص ثقه‌ای نباشد که به او خبر دهد اما اگر شخص ثقه باشد که از قبله به او خبر دهد نمی‌تواند اجتهاد کند و باید حرف ثقه را بپذیرد همان‌گونه که شیخ الاسلام در منهج و شرح آن گفته است.

^٨ . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. سوره نحل، آیه ٤٣

از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید.

قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا فَإِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ

السُّؤَالُ. حسن، ابوداوود ٣٣٦

چرا نپرسیدند آن گاه که ندانستند؟ همانا درمان عجز و ناتوانی، پرسش است.

^٩ . نجم: ابن صلاح گفته: اجماع منعقد گشته که از محارِب مساجد، پیروی و به آن عمل

کرده می‌شود.

مجموع: صاحب الشامل (یعنی ابن صباغ) اجماع علما را در این باره نقل کرده است.

^{١٠} . نجم و تحفه: زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر خطا قرار داده نمی‌شود.

و هر مکانی که رسول الله صلی الله علیه و سلم بسوی آن نماز گزارده و محل ایستادنش مشخص شده؛ (قبله‌ی آن) تعیین و مشخص شده است و در چنین مکانی اجتهاد نمی‌کند نه به سمت راست و نه به سمت چپ. و در غیر از این از محراب‌ها به سمت راست و به سمت چپ اجتهاد می‌کند.

وَإِنْ لَمْ يَجِدْ مَنْ يُخْبِرُهُ عَنْ مُشَاهَدَةِ اجْتِهَادٍ بِالذَّلَائِلِ،^{۱۲} فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْهَا أَوْ كَانَ أَعْمَى قَلْدًا،^{۱۳} وَإِنْ تَيَقَّنَ الْخَطَأَ بَعْدَ الصَّلَاةِ بِالِاجْتِهَادِ أَعَادَ.^{۱۴}

و اگر کسی را نیافت که او را از مشاهده خبر دهد با دلایل (وعلایم) اجتهاد می‌کند. پس اگر دلایل و علایم را نشناخت یا نابینا بود؛ (از بینایی) تقلید می‌کند. و اگر بعد از نماز با اجتهاد، خطا را یقین دانست؛ (آن نماز را) اعاده می‌کند.

سُتْرَةُ الصَّلَاةِ

وَيُنْدَبُ لِلْمُصَلِّيِّ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ سُتْرَةٌ تُلْتَمَسُ ذِرَاعٌ،^{۱۵} أَوْ يَبْسُطُ مُصَلِّيٌّ، فَإِنْ عَجَزَ خَطَّ خَطًّا،^{۱۶} عَلَى ثَلَاثَةِ أَذْرُعٍ،^{۱۷} فَيَحْرُمُ الْمُرُورُ حَيْثُئِذٍ.^{۱۸}

^{۱۱} . تحفه: به سمت راست و چپ می‌تواند خود را چرخ دهد زیرا امکان خطا به این اندازه وجود دارد و این جایز است و واجب نمی‌شود به خلاف امام سبکی.

^{۱۲} تحفه: این اجتهاد واجب است.

^{۱۳} . تحفه: واجب اوست که تقلید کند.

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. سوره نحل، آیه ۴۳

از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید.

قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا فَإِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ

السُّؤَالُ. حسن، ابوداود ۳۳۶

چرا نپرسیدند آن گاه که ندانستند؟ همانا درمان عجز و ناتوانی، پرسش است.

^{۱۴} . عجاله و تحفه: همانند حاکم، هرگاه اجتهادش با نص مخالفت کرد؛ اجتهادش را

نقض می‌کند.

^{۱۵} . عَنِ ابْنِ عُمَرَ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْعِيدِ أَمَرَ

بِالْحَرْبَةِ، فَتُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَيُصَلِّي إِلَيْهَا وَالنَّاسُ وَرَاءَهُ، وَكَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السَّفَرِ».

بخاری ۴۹۴

رسول الله صلى الله عليه وسلم هرگاه روز عید خارج می شدند دستور می دادند که نیزه‌ی کوتاهی در مقابلش گذاشته شود. پس بسوی آن نماز می گزاردند و مردم پشت سر ایشان نماز می گزاردند و این کار را در تمام سفرها انجام می دادند.

عَنْ سَهْلِ بْنِ أَبِي حَثْمَةَ، يَبْلُغُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى سُرَّةِ فَلْيَدْنُ مِنْهَا لَا يَقْطَعِ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ». صحیح، ابوداود ۶۹۵
هرگاه یکی از شما بسوی ستره نماز گزارد پس به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند.

دلیل بر این که ستره گذاشتن واجب نیست:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «أَقْبَلْتُ رَاكِبًا عَلَى حِمَارٍ أَتَانِ، وَأَنَا يَوْمَئِذٍ قَدْ نَاهَزْتُ الْإِحْتِلَامَ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي بِيَنِي إِلَى غَيْرِ جِدَارٍ، فَمَرَرْتُ بَيْنَ يَدَيْ بَعْضِ الصَّفِّ، وَأَرْسَلْتُ الْأَتَانَ تَرْتَعُ، فَدَخَلْتُ فِي الصَّفِّ، فَلَمْ يُنْكَرْ ذَلِكَ عَلَيَّ». بخاری ۷۶

ابن عباس می گوید: من در حالی که بر درازگوش ماده‌ای سوار بودم؛ آمدم. در آن موقع من نزدیک به سن بلوغ بودم. رسول الله صلى الله عليه وسلم در منی بسوی غیر دیوار نماز می گزارد. من مقابل بعضی از صف‌ها گذر کردم و آن درازگوش را فرستادم که بچرد و داخل صف شدم. بر این کارم بر من انکار کرده نشد.

دلیل بر این که ستره به دو سوم ذرع برسد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ فَلْيُصَلِّ، وَلَا يُبَالِ مَنْ مَرَّ وَرَاءَ ذَلِكَ». مسلم ۴۹۹

هرگاه یکی از شما در مقابلش به اندازه‌ی تکیه‌گاه مرکوب گذاشت پس نماز بگزارد و توجه نکند به کسی که از پشت این ستره می گذرد.

تکیه‌گاه مرکوب تقریباً دو سوم ذرع تخمین زده می شود.

۱۶ . رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ شَيْئًا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَنْصِبْ عَصًا، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ عَصًا فَلْيَخُطِّطْ خَطًّا، ثُمَّ لَا يَضُرُّهُ مَا مَرَّ أَمَامَهُ». ابوداود ۶۸۹. احمد، علی بن مدینی، ابن خزیمه و ابن حبان این حدیث را صحیح دانسته‌اند. اما بیش تر حفاظ آن را ضعیف دانسته‌اند.

و برای نمازگزار سنت می‌شود که مقابلش ستره‌ای (به اندازه‌ی) دو سوم ذرع باشد یا سجاده‌ای پهن کند. پس اگر عاجز شد در (فاصله‌ی) سه ذرعی خطی می‌کشد. در این هنگام (که ستره قرار داده) گذر کردن حرام می‌شود.

وَيُنْدَبُ^{۱۷} دَفْعُ الْمَارِّ بِالْأَسْهَلِ، وَيَزِيدُ قَدْرَ الْحَاجَةِ،^{۱۸} كَالصَّائِلِ،^{۱۹} فَإِنْ مَاتَ فَهَدْرٌ،^{۲۰}
فَإِنْ لَمْ يَكُنْ سُتْرُهُ أَوْ تَبَاعَدَ عَنْهَا، كُرْهٌ^{۲۱} الْمُرُورُ، وَلَيْسَ لَهُ الدَّفْعُ.^{۲۲}

هرگاه یکی از شما خواست که نماز بگزارد مقابل رویش چیزی قرار بدهد. اگر نیافت پس عصایی را بکارد و اگر همراهش عصایی نبود خطی بکشد سپس هر چه از مقابلش گذر کند به او ضرری نمی‌رساند.

^{۱۷} . عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ: «كَانَ بَيْنَ مُصَلِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَيْنَ الْجِدَارِ مَمَرٌ الشَّائِءُ». بخاری ۴۹۶

بین محل نماز رسول الله صلی الله علیه و سلم و بین دیوار به اندازه‌ی محل گذر گوسفند (فاصله) بود.

^{۱۸} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا عَلَيْهِ، لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ حَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ» قَالَ أَبُو النَّضْرِ: لَا أُدْرِي،
أَقَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، أَوْ شَهْرًا، أَوْ سَنَةً. بخاری ۵۱۰

اگر عبورکننده از جلو نمازگزار بداند که چه گناهی برای اوست. ایستادن به مدت چهل، برایش بهتر از این است که از جلو نمازگزار گذر کند. ابوالنضر می‌گوید: نمی‌دانم که گفت: چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال.

در مسند بزار ۳۷۸۲ آمده: أَرْبَعِينَ خَرِيفًا. چهل سال.

^{۱۹} . نهاییه: واجب نمی‌شود و اگر چه از باب نهی از منکر است. زیرا گذر کردن از مقابل نمازگزار، امری است که در تحریم و کراهت آن اختلاف شده است. و انکار واجب نمی‌شود مگر در امری که بر تحریم آن اجماع شده باشد.

و همچنین انکار زمانی واجب می‌شود که به فوتِ مصلحت دیگری نکشاند. اما اگر با انکار، یک مصلحت دیگری از دست می‌رود یا در مفسده‌ی دیگری واقع می‌شود در این شرایط انکار واجب نمی‌شود همان‌گونه که علما در محلش تقریر کرده‌اند.

در این جا نیز اگر به دفع کردن او مشغول شود مصلحت دیگری از دست می‌رود که همانا آن خشوع در نماز و عدم عبث در آن است.

۲۰. حَدَّثَنَا أَبُو صَالِحٍ السَّمَّانُ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ يُصَلِّيَ إِلَى شَيْءٍ يَسْتُرُهُ مِنَ النَّاسِ، فَأَرَادَ شَابٌّ مِنْ بَنِي أَبِي مُعَيْطٍ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَدَفَعَ أَبُو سَعِيدٍ فِي صَدْرِهِ، فَنَظَرَ الشَّابُّ فَلَمْ يَجِدْ مَسَاعًا إِلَّا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَعَادَ لِيَجْتَازَ، فَدَفَعَهُ أَبُو سَعِيدٍ أَشَدَّ مِنَ الْأُولَى، فَتَالَ مِنْ أَبِي سَعِيدٍ، ثُمَّ دَخَلَ عَلَى مَرْوَانَ، فَشَكَا إِلَيْهِ مَا لَقِيَ مِنْ أَبِي سَعِيدٍ، وَدَخَلَ أَبُو سَعِيدٍ خَلْفَهُ عَلَى مَرْوَانَ، فَقَالَ: مَا لَكَ وَلَا بِنِ أَخِيكَ يَا أَبَا سَعِيدٍ؟ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى شَيْءٍ يَسْتُرُهُ مِنَ النَّاسِ فَأَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلْيَدْفَعْهُ فَإِنَّ أَبِي فُلَيْقَاتِلُهُ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ».

بخاری ۵۰۹

ابوسعید خدری را دیدم که بسوی چیزی نماز می‌گزارد که او را از مردم می‌پوشاند. جوانی از فرزندان ابی معیط خواست که از مقابلش بگذرد، ابوسعید با زدن به سینه‌اش او را دفع کرد. آن جوان (به اطرافش) نگریست اما به غیر از گذر کردن از مقابلش، راهی را نیافت. پس برگشت که از مقابلش بگذرد. (این بار) شدیدتر از بار اول او را دفع کرد. آن جوان حرف تندی به ابوسعید زد سپس به مروان بن حکم (والی مدینه در آن زمان) داخل شد و از ابوسعید گلایه کرد. سپس به دنبالش، ابوسعید بر مروان داخل شد. مروان گفت: ای ابوسعید! بین تو و برادر زاده‌ات چه اتفاقی افتاده؟

ابوسعید گفت: از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمود: هرگاه یکی از شما بسوی چیزی نماز گزارد که او را از مردم می‌پوشاند و یکی خواست که از مقابلش گذر کند پس او را دفع کند. اگر امتناع کرد با او بجنگد. بی‌گمان که او شیطان است.

۲۱. در مورد احکام حمله‌ور به جان، ناموس و مال انسان در کتاب الجنایات باب الصیال
 إن شاء الله خواهد آمد.

۲۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى شَيْءٍ يَسْتُرُهُ مِنَ النَّاسِ فَأَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلْيَدْفَعْهُ فَإِنَّ أَبِي فُلَيْقَاتِلُهُ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ».

بخاری ۵۰۹

هرگاه یکی از شما بسوی چیزی نماز گزارد که او را از مردم می‌پوشاند و یکی خواست از مقابلش گذر کند پس او را دفع کند. اگر امتناع کرد با او بجنگد. بی‌گمان که او شیطان است.

و دفع کردن عبورکننده (از جلو نماز) با آسان تر سنت می شود و همانند حمله‌ور (در دفع کردنش) به مقدار حاجت می افزاید. اگر (شخص عبورکننده از جلو نماز) جان داد خون او هدر است. اگر ستره‌ای نبود یا (ستره) از او دور بود. گذر کردن مکروه شده است. و (در این هنگام) دفع کردن برایش جایز نیست.

وَلَوْ وَجَدَ فِي صَفِّ فُرْجَةٍ فَلَهُ الْمُرُورُ لَيْسَتْ رَهًا.^{۲۳}

^{۲۳} . کراهت در اینجا به خلاف اولی تفسیر کرده می شود زیرا در تحفه، نهاییه و مغنی به خلاف اولی تعبیر آورده شده است.

تحفه: **وَالْأَحْرَمَ دَفَعُهُ لِأَنَّهُ لَمْ يَرْتَكِبْ مُحَرَّمًا بَلْ خِلَافَ الْأُولَى، وَهُوَ مُرَادٌ مَنْ عَبَّرَ بِالْكَرَاهَةِ وَلَوْ فِي مَحَلِّ السُّجُودِ خِلَافًا لِلْخَوَارِزْمِيِّ.**

مغنی: **لَوْ صَلَّى بِلَا سُرَّةٍ أَوْ تَبَاعَدَ عَنْهَا: أَي: أَوْ لَمْ تَكُنْ بِالصَّفَةِ الْمَذْكُورَةِ، فَلَيْسَ لَهُ الدَّفْعُ لِتَقْصِيرِهِ، وَلَا يَحْرُمُ الْمُرُورُ بَيْنَ يَدَيْهِ. لَكِنَّ الْأُولَى تَرَكُّهُ فَقَوْلُهُ فِي غَيْرِهَا: «لَكِنَّ يُكْرَهُ» مَحْمُولٌ عَلَى الْكَرَاهَةِ غَيْرِ الشَّدِيدَةِ.**

نهاییه: **بَلْ وَلَا يُكْرَهُ عِنْدَ التَّقْصِيرِ.**

^{۲۴} . مغنی: به خاطر کوتاهی خود نمازگزار.

^{۲۵} . مجموع و فیض الاله المالک: به خاطر کوتاهی خود نمازگزاران که در صف خلل ایجاد کردند.

المنهاج القویم: به خاطر کوتاهی نمازگزاران که با وجود فرجه در صف مقدم، به صف مؤخر روی آوردند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَدْرُوا فُرْجَاتِ لِلشَّيْطَانِ وَمَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ. صحیح، ابوداود ۶۶۶

فرجه‌ها را برای شیطان رها نسازید. کسی که صفی را وصل کند خداوند متعال او را (به خیرات) وصل کند. و کسی که صفی را قطع کند خداوند متعال او را (از خیرات) قطع کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الَّذِينَ يَصِلُونَ الصُّفُوفَ، وَمَنْ سَدَّ فُرْجَةً رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً». صحیح، ابن ماجه ۹۹۵

قطعا خداوند و فرشتگانش بر کسانی که صف‌ها را وصل می کنند؛ صلوات می فرستند. و کسی که فرجه‌ای را بگیرد الله عزوجل یک درجه بر درجاتش می افزاید.

و اگر در صفی رخنه‌ای یافت عبور کردن برایش جایز است تا آن (خلل) را بپوشاند.